

استاد مینوی و متن‌شناسی شاهنامه (با یادداشت‌هایی درباره تصحیح داستان سیاوش)

سجاد آیدنلو*

چکیده

زنده یاد استاد مجتبی مینوی در تحقیقات شاهنامه‌شناسی معاصر از متقدمان است که مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین فعالیت علمی ایشان در این حوزه، سرپرستی بنیاد شاهنامه و اجرای طرح نخستین تصحیح منقح شاهنامه در ایران بوده است. نظریات مستقیم و مستقل استاد مینوی درباره تصحیح و متن‌شناسی شاهنامه - که روش کار پژوهشگران بنیاد شاهنامه به طور کلی براساس آنها استوار بوده - آن گونه که از مجموع آثار شاهنامه‌شناختی استاد (کتاب، مقالات، سخن‌رانی‌ها و مصاحبه‌ها) استنباط می‌شود، در پنج بخش: ۱. نکته‌های کلی و عمومی ۲. نظریات (تئوری‌های) مربوط به تصحیح شاهنامه ۳. درباره ابیات الحاقی و منسوب ۴. تصحیح دو بیت شاهنامه ۵. درباره نسخ و چاپ‌های شاهنامه؛ قابل تقسیم‌بندی است.

در این مقاله ضمن طبقه‌بندی و توضیح دیدگاه‌های استاد مینوی ذیل هر یک از موضوعات یاد شده، به نقد و بررسی مواردی از ضابط‌های مهم‌ترین کار

تصحیحی ایشان (در زمینه حماسه ملی ایران) و بنیاد شاهنامه یعنی داستان سیاوش پرداخته شده است که با گذشت چند سال از چاپ آن، نخستین نقد این متن به شمار می‌رود.

کلیدواژه: استاد مینوی، شاهنامه، تصحیح، متن‌شناسی، داستان سیاوش.

در تاریخ مطالعات شاهنامه‌شناختی و حماسی به اصطلاح جدید در ایران (از سال ۱۳۱۳ ه. ش به بعد)، شادروان استاد مجتبی مینوی جزو متقدمان است.^۱ کارنامه شاهنامه‌پژوهی ایشان از یک منظر دربرگیرنده دو حوزه کلی است، نخست: تحقیق در زندگانی فردوسی و موضوعات مختلف مربوط به درونمایه شاهنامه^۲ و دیگر: متن‌شناسی شاهنامه.

مراد از اصطلاح اخیر (متن‌شناسی) کوششها و نوشته‌های مرتبط با جهات گوناگون نسخه‌شناسی و تصحیح متن حماسه ملی ایران است که در زندگانی علمی استاد مینوی از همان آغاز یکی از دغدغه‌ها و زمینه‌های مورد توجه بوده به طوری که ظاهراً نخستین کار ایشان در این حوزه اهتمام در مقابله جلد اول شاهنامه چاپ فوللرس با چاپ‌های دیگر در حدود سال (۱۳۱۳ ه. ش) است که در تهران از سوی کتاب‌فروشی بروخیم منتشر شد.

استاد در کتاب فردوسی و شعر او که تاریخ مقدمه آن تیرماه (۱۳۴۶) است، با تصریح بر این که در میان دست‌نویس‌های شاهنامه «نسخ خطی قدیم و معتبری هم نداریم که آنها را بتوانیم ملاک یک چاپ صحیح و معتبر شاهنامه فردوسی قرار دهیم»^۳ پیشنهاد کرده‌اند که عکس نسخه‌های مهم شاهنامه گردآوری شود و عده‌ای از محققان بر اساس آنها به تصحیح این اثر بپردازند که خود این طرح نیز باز گواه دیگری برای اهمیت مقوله متن‌پژوهی در برنامه‌ها و مشغله‌های علمی ایشان است. قرینه بسیار مهم دیگر، این اشاره دکتر امین ریاحی است که استاد مینوی از همان هنگام اقامت در اروپا در اندیشه تصحیح شاهنامه بودند و گویا بخش‌هایی از آن را نیز خود تصحیح کرده بودند.^۴

مجموع این فعالیت‌ها و خلعان‌ها مقدمه‌ای بود تا استاد مینوی سرپرستی علمی بنیاد شاهنامه^۵ را بپذیرند و برای نخستین بار در ایران، طرح تصحیح انتقادی و روشمند شاهنامه را آغاز کنند^۶ که اولین نمونه آن انتشار متن مصحح داستان رستم و سهراب در سال (۱۳۵۲ ه. ش) بود و بر این اساس باید گفت که در کارنامه علمی استاد

مینوی، به لحاظ زمانی فاصله زیادی میان تأملات و تذکرات نظری درباره تصحیح شاهنامه و اقدام عملی به این کار وجود دارد^۷ و چنان که یکی از همکاران ایشان در بنیاد شاهنامه، به درستی یادآوری کرده‌اند:

مینوی اگر چه در ۶ سال آخر عمر خود به تصحیح انتقادی شاهنامه

پرداخت اما بی‌گمان همه عمر ادبی و تحقیقی خویش را با آن می‌زیست.^۸

آن چه این درنگ و تأمل طولانی به ما می‌آموزد این است که تصحیح شاهنامه کار آسان و شتاب زده‌ای نیست بلکه نیازمند مطالعات دقیق، تجربه و پختگی و فراهم شدن مقدمات و اقدامات لازم است و این نکته مهمی است که باید از نظر روش‌شناسی و چگونگی کار مورد توجه جدی کسانی قرار بگیرد که پس از کار سترگ دکتر خالقی مطلق و همکارانشان احیاناً در سودای تصحیح دیگر بار شاهنامه‌اند.

بی‌تردید شیوه پژوهشگران بنیاد شاهنامه در تصحیح حماسه ملی ایران به طور کلی بر پایه نظریات و تجارب متن‌شناسانه استاد مینوی استوار بوده است و تفصیل این اصول و ضوابط در مقاله عالمانه یکی از محققان بنیاد شاهنامه آمده است^۹ اما دیدگاه‌های مستقیم و مستقل خود استاد در نوشته‌ها، سخن‌رانی‌ها و گفتگوهای ایشان پراکنده است که در بخش نخست این مقاله به تنظیم و بررسی آنها خواهیم پرداخت و در بخش دوم نیز یادداشت‌هایی درباره متن داستان سیاوش (تصحیح استاد مینوی) آورده خواهد شد.

الف) نظریات استاد مینوی درباره متن‌شناسی شاهنامه

آن چه از آثار (کتاب و مقالات)، سخن‌رانی‌ها و مصاحبه‌های استاد مینوی در زمینه مسائل متنی شاهنامه استفاده می‌شود، در پنج بخش قابل تقسیم‌بندی و بررسی است.

۱. نکته‌های کلی و عمومی

استاد مینوی معتقدند - البته با قید احتیاط شاید - که استتساخ شاهنامه از روزگار خود فردوسی آغاز شده بود و هنگام درگذشت شاعر چند ده نسخه از اثر او وجود داشته که به طور خصوصی و در محافل همگانی خوانده می‌شده است (← فردوسی و شعر او، ص ۳۲) آن چه این گمان را تأیید می‌کند، یکی اشاره خود فردوسی درباره ابیات / داستانهای شاهنامه است که:

بزرگان و با دانش آزادگان نبشتند یکسر همه رایگان

(مسکو ۸۴۵/۲۸۱/۹)

و دیگر، این قرینه مهم که به احتمال بسیار، در دو دهه آغازین سده پنجم (۴۰۰-۴۲۰ ه.ق) دست‌نویسی از شاهنامه از خراسان به آذربایجان آورده شده و در اختیار قطران تبریزی بوده است.^{۱۰}

۲-۱. درآمیختگی دو تحریر شاهنامه در نسخه‌ها

شاهنامه دو تحریر داشته که نخستین آن در سال (۳۸۴ ه.ق) و بار دوم به سال (۴۰۰ ه.ق) یا چند سال بعد پایان یافته است منتها امروزه دقیقاً نمی‌توان ساختار این دو تحریر را مشخص کرد چون همان گونه که استاد مینوی در گزارش خود - درباره اهداف و فعالیت‌های بنیاد شاهنامه - به وزارت فرهنگ و هنر متذکر شده‌اند: در نسخه‌هایی از شاهنامه که به دست ما رسیده است مندرجات هر دو تحریر بهم مخلوط شده است و هیچ نسخه‌ای نیست که فقط از تحریر اول نقل شده باشد.^{۱۱}

۳-۱. شمار بیت‌های شاهنامه

برخلاف آن چیزی که مشهور است، شاهنامه شصت هزار بیت نیست بلکه به استناد کهن‌ترین دست‌نویس کامل این اثر یعنی نسخه بریتانیا لندن (۶۷۵ ه.ق)^{۱۲}، «شاهنامه فردوسی... در واقع مطلب در حدود ۴۸ هزار یا ۵۰ هزار بیت بیشتر نبوده است»^{۱۳}

۴-۱. تعداد مجلدات شاهنامه

استاد مینوی درباره نسخه اصلی شاهنامه از احتمال هفت، دوازده یا بیست جلد بودن سخن گفته‌اند^{۱۴} که هفت دفتر بودن آن از گزارش نظامی عروضی به عنوان قدیمی‌ترین اشاره در این باره برمی‌آید^{۱۵} و گمان دوازده و بیست مجلد بودن نیز مستند بر تجربه‌های نسخه‌شناسی استاد است که نوشته‌اند:

در بعضی از نسخ شاهنامه بر خورده‌ام که در آخر فلان بخش نوشته‌اند تمام شد دفتر هشتم، تمام شد دفتر دوازدهم. (فردوسی و مقام او، همان، ص ۵۴۵)

۵-۱. حک و اصلاح فردوسی در شاهنامه

به نظر استاد مینوی، فردوسی ده پانزده سالی پس از تقدیم کتاب به محمود زنده بود و «در شاهنامه دست می‌برد و بعضی تغییرات و اصلاحات در آن راه می‌داد» (فردوسی و شعر او، ص ۴۲) این نوع بازبینی‌ها - که غیر از فردوسی درباره شاعران بزرگ دیگر (مانند حافظ) هم مصداق دارد - با پذیرفتن استنساخ شاهنامه در زمان فردوسی، دشواری بزرگی را در کار تصحیح شاهنامه و رسیدن به صورت نهایی سروده فردوسی به وجود می‌آورد. بدین معنی که در میان ضبط‌های گوناگون یک واژه، مصراع یا بیت حتی اگر به فرض نسخه‌ای به خط فردوسی هم یافت شود، قطعاً معلوم نیست که کدام صورت نتیجه آخرین تغییر و اصلاح اوست.

۶-۱. آغاز تصرف در متن شاهنامه از روزگار فردوسی

شاهنامه به سبب جایگاه ویژه آن در فرهنگ و ادب ایران بی‌گمان یکی از پر دخل و تصرف‌ترین متون ادبی بوده است و جالب این که به اعتقاد استاد مینوی از همان روزگار خود فردوسی:

وقتیکه مردم از روی کتابت او می‌نوشتند هر کس به میل خود هر بیتی را
آنطور که می‌خواست می‌نوشته است.^{۱۶}

و از همین روی:

هیچ دو نسخه خطی یافت نمی‌شود که با هم در پنجاه بیت متوالی شبیه
باشند و هیچ ده بیت شاهنامه نیست که بتوان آن‌ها را با اطمینان به این که
فردوسی آن را چنین گفته بوده است، خواند و نوشت.^{۱۷}

۷-۱. نسخه‌های مورد بررسی مستوفی

حمدالله مستوفی هنگامی که در مقدمه ظفرنامه به اهتمام شش ساله خویش برای فراهم آوردن نسخه‌ای منقح از شاهنامه اشاره کرده است در بیتی گفته است:

در آن نسخه‌ها اندر این روزگار کمایش پنجاه دیدم شمار^{۱۸}

یکی از پژوهشگران با خواندن «در» آغاز مصراع به صورت «وز» از این بیت چنین استنباط کرده‌اند که مستوفی پنجاه دست‌نویس شاهنامه را دیده و بررسی کرده است^{۱۹} اما استاد مینوی سالها پیش به استناد این بیت نوشته‌اند «حمدالله مستوفی قزوینی

می‌گوید هرچه نسخه‌های شاهنامه دیدم بیش از پنجاه هزار بیت بود.»^{۲۰} و این (یعنی اشاره بیت به ۵۰ هزار بیت بودن نسخه نه ۵۰ دست‌نویس) تعبیر درستی است که بعدها پژوهشگران دیگر نیز پذیرفته و بازگفته‌اند.^{۲۱}

۲. نظریات (تئوری‌های) مربوط به تصحیح شاهنامه

۱-۲. دست‌نویس قدیم‌تر، اصیل‌تر است.

استاد مینوی تأکید کرده‌اند که برای تهیه متن انتقادی شاهنامه «باید همه نسخه‌های قدیم را جمع بیاوریم... به این جهت که... نسخه هرچه قدیم‌تر باشد به اصل مؤلف نزدیک‌تر است و تصرف در آن کمتر است.» (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح... همان، صص ۲۵۵ و ۲۵۶) در روش تصحیح علمی - انتقادی، این اصل به طور کلی و صرف نظر از بعضی موارد و استثناها درست است.

۲-۲. اهمیت مادر / خانواده نسخه در اعتبارسنجی آن

یکی از مسائل بسیار مهم و به همان اندازه دشوار در ارزیابی دست‌نویس‌های شاهنامه، شناخت خانواده و مادر این نسخه‌هاست.^{۲۲} استاد مینوی با توجه به این معیار نسخه‌شناختی است که نوشته‌اند:

امکان دارد ما نسخه‌ای جدیدتر به دست بیاوریم که بتوسط مردی دقیق و امین و معتمد از روی نسخه‌ای قدیم قدیم استنساخ شده باشد و رجحان داشته باشد بر نسخه‌ای که دویست سیصد چهارصد سال قبل از آن کتابت شده باشد. (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح... همان، ص ۲۵۶)

۲-۳. دو عامل اصلی تغییر واژگان شاهنامه

استاد مینوی دو علت مهم دگرگونی واژگان شاهنامه در دست‌نویس‌ها را، ناآشنایی خوانندگان / کاتبان با معنای لغات و نیز تبدیل ضبط‌های مهجور و دشوار به صورت‌های معروف‌تر و آسان‌تر دانسته‌اند (← نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۵۴)

۲-۴. اشتباه کاتب، علت الحاق آگاهانه بیت

ایشان در بحث از بر ساخته و الحاقی بودن این بیت در داستان رستم و سهراب:

نخست آفرین کرد بر کردگار جهاندار و پرورده روزگار^{۲۳}
نوشته‌اند:

بعضی اوقات کاتب در هنگام نوشتن اشتباهاً ممکن است لفظی را بنویسد... و نخواهد این غلطی را که کرده است اصلاح کند یا بتراشد، بیت را به همین صورت می‌گذارد و مصراع دومی از برای آن می‌سازد و بعد بیت اصلی را با تغییری در دنبال آن می‌آورد. (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۴۷)

۵-۲. ردّ تصحیح ذوقی

روش درست و علمی تصحیح متون ادبی، مقابله نسخه‌های معتبر برای گزینش ضبط اصیل یا دست کم نزدیک به نهایی متن است و کار کسانی که به استناد ذوق شعری و ادبی خویش یا ممارست در آثار ادبی دست به تغییر و اصلاح کلمات، جملات یا ابیات یک متن می‌زنند به تعبیر استاد مینوی «میزانی غلط است»^{۲۴} (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۶۰)

۶-۲. تصحیح و گزارش شاهنامه به یاری خود شاهنامه

استفاده از سبک خود شاهنامه - یا شواهد متون مهم پیش و پس از آن - برای تصحیح و گزارش شاهنامه، گاهی که دست‌نویس‌ها آشفته و غیرقابل اعتماد است، می‌تواند راهگشا باشد و این یکی از معیارهای تصحیح قیاسی در روش علمی - انتقادی است. این شیوه مهم نیز از اصول مورد نظر استاد مینوی در تصحیح شاهنامه بوده که البته تا جایی که نگارنده بررسی کرده در آثار خود ایشان تصریح نشده و از اشارات یکی از پژوهشگران بنیاد شاهنامه بر می‌آید^{۲۵} و در این جا به دلیل اهمیت آن، ذکر شد.

۷-۲. هدف تصحیح انتقادی رسیدن به سروده اصلی فردوسی است.

در تصحیحات و ویرایش‌های غیرعلمی و بی‌روش شاهنامه معمولاً طرح کلی و نتیجه نهایی کار زیر تأثیر برخی عوامل جانبی (مانند: پیروی بی‌چون و چرا از یک نسخه، کوشش برای شصت هزار بیت کردن متن، انتساب همه بیت‌های زیبای حماسی به فردوسی و...) قرار می‌گیرد؛ اما استاد مینوی آشکارا اذعان کرده‌اند که:

در بنیاد شاهنامه... ما کار به این نداریم که عده ابیات نسخه‌ها چند تا خواهد شد، ۴۸ هزار یا ۶۵ هزار از برای ما مهم نیست. مهم اینست که آنچه چاپ می‌کنیم تا حد ممکن همان طوری باشد یا نزدیک به آن صورتی باشد که فردوسی نوشته بوده است. (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۶۲)

و در این کار واقعاً حساس و سخت، وسواس علمی به اندازه‌ای بوده که به قول استاد «دست و دل» ایشان و همکارانشان می‌لرزیده است (← همان، ص ۲۵۹)

۲-۸. پذیرش نقدهای علمی در کار تصحیح

استاد مینوی در مقدمه‌ای که به تاریخ (۲ خرداد ۱۳۵۴) بر داستان فرود (تصحیح آقای محمد روشن) نوشته‌اند، بی‌هیچ پروا و پرهیز و پنهان کاری اعتراف کرده‌اند که: در ابیات این داستان چند لفظ و چند مصراع مبهم به جا مانده است که ما به حل آنها و کشف معنی آنها موفق نشده‌ایم، امیدواریم انتقادات و اظهار نظرهای دانشمندان شاهنامه شناس به روشن کردن موارد ابهام یاری کند.^{۲۴}

اگر در کار تصحیح و نقد فنی تصحیحات شاهنامه، روحیه علمی مذکور در این دو سطر کاملاً در جامعه ادبی ما رواج یابد، به یقین راه رسیدن به متن تقریباً نهایی حماسه ملی ایران کوتاه‌تر و آسان‌تر خواهد شد.

۳. درباره ابیات الحاقی و منسوب

۳-۱. چهار بیت ستایش خلفا در دیباجه شاهنامه
در دیباجه شاهنامه (بخش گفتار اندر ستایش پیغمبر) برخی از دست‌نویس‌های شاهنامه این چهار بیت را آورده‌اند:

که خورشید بعد از رسولان مه	نتابید بر کس ز سوبکر به
عمر کرد اسلام را آشکار	بیاراست گیتی چو باغ بهار
پس از هر دوان بود عثمان گزین	خداوند شرم و خداوند دین
چهارم علی بود جفت بتول	که او را بخوبی ستاید رسول

(خالقی ۱/ ۱۰ / زیرنویس ۳)

بعضی از شاهنامه‌شناسان این چهار بیت را الحاقی دیگران و شماری دیگر، سروده و

افزوده خود فردوسی هنگام فرستادن کتاب به دربار محمود می‌دانند.^{۲۷} استاد مینوی هم ضمن بحث درباره تغییرات ناشی از گرایشهای مذهبی در دست‌نویس‌های متون، از جمله مثلاً انتساب قصیده‌ای به ردیف «انگشت» و منظومه یوسف و زلیخا به فردوسی - برای برجسته کردن جنبه دینی و شیعی او - احتمال تصرف (حذف یا الحاق) در چهار بیت مذکور را مطرح کرده‌اند:

در ابتدای شاهنامه چهار بیت در مدیح چهار یار پیغمبر می‌افزاییم یا ابیاتی را که او در این موضوع گفته بوده است حذف می‌کنیم، فرقی نمی‌کند. (فردوسی ساختگی و جنون.... همان، ص ۱۲۷)

۲-۳. هجونامه

درباره هجونامه سلطان محمود غزنوی که اصیل یا برافزوده بودن آن از موضوعات بحث برانگیز متن‌شناسی شاهنامه بوده است، استاد مینوی گفته‌اند: «اصلاً حکایت هجونامه ساختن فردوسی و به زشتی یاد کردن محمود را من قبول ندارم و باور نمی‌کنم» (فردوسی و مقام او، ص ۵۴۹) به نظر ایشان، فردوسی پس از ناامیدی از توجه و تشویق محمود، در حاشیه مدایح او چند بیتی به عنوان شکوه و افسوس افزوده و «ظاهراً اینست منشأ اصلی افسانه هجونامه» (همان، ص ۵۴۹)

۳-۳. مؤخره نسخه بریتانیا (۸۴۱ ه. ق.)

در پایان دست‌نویس بریتانیا (۸۴۱ ه. ق، مؤخره منظوم ۳۳ بیتی وجود دارد^{۲۸} که عده‌ای از پژوهشگران آن را سروده فردوسی دانسته و بر این اساس به نتایجی درباره سرگذشت فردوسی و تاریخ تحریر دوم شاهنامه رسیده‌اند^{۲۹} اما استاد مینوی با خواندن «ششصد» به جای «سیصد» در این بیت:

وگر سال نیز آرزوت آمده‌ست نهم سال و هشتاد با سیصدست

و مقایسه تطبیقی ماه‌ها و روزهای یاد شده در بیت‌های دیگر، نشان داده‌اند که این ۳۳ بیت اثر کاتب است که از دست‌نویسی دیگر (مورخ ۷۷۹ ه. ق) به نسخه مذکور راه یافته و موجب اشتباه بعضی محققان شده است ← نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، صص ۲۵۷ و ۲۵۸)

۳-۴. یوسف و زلیخا

در پرتو پژوهش‌های مستدلّ چند تن از محققان، امروز دیگر تردیدی در نادرستی انتساب منظومه یوسف و زلیخابه فردوسی نیست^{۳۰} و استاد مینوی یکی از آن چند نفری است که در این بحث، با ارائه دلایل و قرائن علمی دارای فضل تقدّم و تقدّم فضلند.^{۳۱}

۳-۵. ابیات منسوب به فردوسی بیرون از شاهنامه

خارج از شاهنامه در برخی از تذکرها و جنگها، اشعاری در قالبهای مختلف (مانند: رباعی، قصیده، قطعه و غزل) به نام فردوسی آمده است^{۳۲} که به عقیده استاد مینوی: آن اشعار متفرقه غالباً مسلم است که از او نیست و آنها هم که در ردّشان تردیدی باشد در قبولشان تردید همان قدر یا بیشتر است. (فردوسی و شعر او، ص ۸۷)

۳-۶. تناقضی در داوری درباره بیت‌های الحاقی

استاد مینوی در یک گفتگو در پاسخ پرسشی از آقای دریابندری گفته‌اند:

آخر تمام این ابیاتی که [به شاهنامه] اضافه کرده‌اند، سست و بی‌مایه است... این اشعار اضافه، رکیک و سست و واهی و خراب است و اصلاً با سبک و نوع شعر فردوسی تناسب ندارد. (← زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مجتبی مینوی، همان، ص ۳۴)

این در حالی است که در گفتاری دیگر اظهار نظر کرده‌اند که:

بعضی از ابیاتی که دیگران به شاهنامه الحاق کرده‌اند بسیار محکم است و اگرچه از فردوسی نباشد نمی‌توان گفت که از سایر شعرهای فردوسی سست‌تر یا پست‌تر است. (نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۴۷)

کسانی که در متن و نسخه بدلهای شاهنامه، توأمان، غور کرده‌اند می‌دانند که همین نظر دوم درست و پذیرفته است.

۴. تصحیح دو بیت شاهنامه

غیر از داستان‌های رستم و سهراب و سیاوش که تصحیح رسمی دو بخش از شاهنامه است، استاد مینوی در میان آثارشان نیز نظر تصحیحی خود را درباره دو بیت دیگر

شاهنامه بیان کرده‌اند. یک بار هنگام برشمردن دخالت ذوق خوانندگان / کاتبان در صورتِ اصیلِ اشعار، نوشته‌اند:

شعر فردوسی را که رستم به اسفندیار می‌گوید: «بخوردم ز تو هشت تیر خدنگ» وقتی که می‌خواند آن را بدل می‌کند به «بخوردم صد و شصت تیر خدنگ» تا اغراقش بیشتر باشد. (فردوسی ساختگی و جون...، ص ۱۲۹)

از این جا می‌توان استنباط کرد که به عقیده‌ی ایشان ضبط درست مصراع، «بخوردم ز تو هشت تیر خدنگ» است. این وجه تنها در نسخه‌ی قاهره (۷۹۶ ه. ق) آمده ۳۳ و در چاپ مسکو و ویرایش آقایان قریب - بهبودی ۳۴ به متن برده شده است اما ضبط بیشتر دست‌نویس‌های معتبر از جمله نسخه‌ی اساسی کارهای بنیاد شاهنامه، بریتانیا / لندن (۶۷۵ ه. ق)، «نه من دی صد و شصت تیر خدنگ» - یعنی تقریباً همان صورت مبالغه‌آمیز مورد انتقاد استاد - است (← خالقی ۴۱۲/۵ / زیرنویس ۱۹) که در تصحیحات دکتر خالقی مطلق (۴۱۲/۵ / ۱۳۸۸) و آقای جیحونی (۳ / ۱۲۱۰ / ۱۳۸۰) نیز برگزیده شده است.

چون این مصراع از داستان رستم و اسفندیار است، این نکته بسیار مهم را هم باید یادآوری کرد که بنا بر اشاره دو تن از محققان،^{۳۵} ظاهراً استاد مینوی تصحیح کامل این داستان را نیز به پایان رسانده بودند که نسخه آن در اختیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ است و معلوم نیست که چرا تاکنون منتشر نشده است.

نمونه دوم مربوط به این بیت از آغاز داستان خسرو و شیرین است:

بود بیت شش بار بیور هزار سخنهای شایسته غمگسار

که استاد در حاشیه درباره‌ی قافیه مصراع نخست نوشته‌اند: «لفظ هزار اینجا غلط است، شاید «شمار» بوده است.» (فردوسی و شعر او، ص ۲۴۵)

در چاپ‌های مورد بررسی نگارنده (مسکو ۳۳۷۰ / ۲۱۰ / ۹؛ جیحونی ۳۳۹۰ / ۲۱۱۰ / ۴؛ قریب - بهبودی ۳۳۶۹ / ۱۴۴ / ۵) و عکس دست‌نویس‌های لندن (۶۷۵ ه. ق) سعدلو / دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (احتمالاً قرن ۸ ه. ق)^{۳۶} و حاشیه ظفرنامه (همان، ج ۲، ص ۱۵۱۴) در مصراع اوّل «هزار» آمده است ولی با این ضبط، معنای بیت که درباره‌ی شاهنامه است نادرست خواهد بود زیرا شمار بیت‌های آن را شصت میلیون (شش × بیور ده هزار، × هزار) ذکر کرده است از این روی تصحیح قیاسی استاد مینوی احتمالاً دقیق و پذیرفتنی است.^{۳۷}

۵. دربارهٔ نسخ و چاپهای شاهنامه

تا جایی که نگارنده جستجو کرده، تنها اظهار نظر استاد مینوی دربارهٔ ارزیابی و اعتبارسنجی دست‌نویس‌های شاهنامه، این یکی دو سطر است:

نسخهٔ متعلق به لنین‌گراذ از حیث ضبط و صحّت به پای نسخه ۷۴۱ که جدیدتر است نمی‌رسد و حتّی در نسخه ۶۷۵ هم که از همه قدیمتر است ما بسیار غلطهای واضح و شعرهای الحاقی یافته‌ایم. (نسخه‌های خطّی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۵۶)

در این جا اشارهٔ انتقادی به نسخه بریتانیا / لندن باز نشان دهندهٔ روحیهٔ علمی و منصف استاد است که برخلاف بعضی مصحّحان متون، نخواستند با بزرگ‌نمایی ارزشهای دست‌نویس اساس و چشم‌پوشی از معایب آن، به تصحیح خویش اعتبار کذایی ببخشند.

استاد مینوی پس از نقل چند بیت از مقدمهٔ داستان بیژن و منیژه، در حاشیه نوشته‌اند:

مادام که چاپ قابل اعتقاد و مبتنی بر نسخ قدیم و صحیح از شاهنامه در دست نداریم در نقل ابیات از چاپ‌های مهل و فولرس و بروخیم و مسکو چنان که پسند آید ترکیب می‌کنیم و بیشتر به چاپ مسکو و حواشی آن تکیه می‌کنیم. (فردوسی و شعر او، ص ۶۸)

بر این اساس می‌توان گفت که تا آن زمان (حدود سال ۱۳۴۶) هیچ یک از چاپ‌های تصحیحات شاهنامه کاملاً مورد تأیید و مطابق با معیارهای علمی استاد نبوده است. درستی این عدم اعتقاد کامل از این جا ثابت می‌شود که به همان دلیل نبودن متن منقّحی از شاهنامه خود ایشان دچار سهو شده و بیت

به شب مورچه بر پلاس سیاه بدیدی به چشم از دو فرسنگ راه
و مصراع «نه خنده است دندان نمودن ز شیر» را که هر دو از گرشاسب‌نامه اسدی توسی است^{۳۸}، از شاهنامه دانسته‌اند (← فردوسی و شعر او، صص ۷۳ و ۷۴)

با این حال، استاد مینوی ضمن برشمردن معایب و کاستی‌های چاپ مسکو (← نسخه‌های خطّی قدیم باید ملاک تصحیح...، ص ۲۵۲) این چاپ را تا آن زمان بهترین تصحیح موجود شاهنامه معرفی کرده‌اند. (← فردوسی ساختگی و جنون...، ص ۱۲۲)

ب) یادداشتهایی درباره تصحیح داستان سیاوش

استاد مینوی در جایی درباره فعالیت‌های پژوهشگران بنیاد شاهنامه نوشته‌اند:

این جماعت تا به حال بیش از ده هزار بیت از شاهنامه را مقابله و تصحیح کرده‌اند و نزدیک به مرحله‌ای رسانده‌اند که می‌توان آنها را برای تحقیق و تشریح و تهیه متن صحیح به کار برد و بزودی به چاپخانه تسلیم کرد.^{۳۹}

اما آن چه تاکنون از این کارها منتشر شده، عبارت است از: داستان رستم و سهراب (تصحیح خود استاد)، داستان فرود (تصحیح آقای محمد روشن)، داستان سیاوش (تصحیح خود استاد) و داستان بیژن و منیژه (تصحیح آقای مهدی قریب)^{۴۰} در این میان، داستان سیاوش مهم‌ترین کار تصحیحی بنیاد شاهنامه محسوب می‌شود که بر اساس ۸ نسخه^{۴۱} و مقابله با ترجمه عربی بنداری به کوشش استاد مینوی و همکاری پژوهشگر متن، شادروان محمد مختاری، طی سالهای (۱۳۵۱-۱۳۵۵) تصحیح و آماده چاپ شد و استاد اجازه چاپ متن نهایی آن را در ایام بیماری و واپسین روزهای زندگانی پربارشان صادر کردند^{۴۲} اما تصحیح پس از ۸ سال تأخیر، در سال (۱۳۶۳) و به همراه مستدرکات و افزوده‌هایی از آقایان قریب و مدائینی، در دو جلد منتشر شد.

برخلاف دو تصحیح دیگر بنیاد شاهنامه (داستان رستم و سهراب و فرود) جای شگفتی است که تا امروز غیر از یک اشاره بسیار کوتاه^{۴۳} و مستدرکات آقایان قریب و مدائینی،^{۴۴} نقد مستقل و ویژه‌ای درباره مهم‌ترین و پرجمع‌ترین کار بنیاد نوشته نشده است و تا آن جا که نگارنده می‌داند، گفتار حاضر نخستین بررسی کامل متن داستان سیاوش است.

نگارنده تک تک ابیات این داستان (۳۷۷۰ بیت) را با متن چاپهای آقای جیحونی، ویرایش آقایان قریب - بهبودی و دکتر خالقی مطلق و نسخه بدل‌های تصحیح دکتر خالقی و خود داستان سیاوش استاد مینوی مقابله کرده و یادداشت‌هایی فراهم آورده که گزیده‌ای از آنها به نشان احترام به کوشش چند ساله زنده‌یاد استاد مینوی و روحیه علمی نقدپذیر ایشان، ارائه می‌شود و امید است که اگر مورد پذیرش همکاران استاد قرار بگیرد، در مستدرکات چاپ‌های بعدی داستان سیاوش گنجانده شود.

۱. سیاوش، چو نزدیک ایوان رسید یکی تخت زرین درفشنده دید

۴۵ (۱۳/۱۹۱)

در نسخه قاهره (۷۹۶ ه. ق) از دست‌نویس‌های مورد استفاده استاد مینوی صورت

«بمیان ایوان» آمده (← داستان سیاوش، ص ۲۴۲) که از ترجمه بنداری هم «ولمّا توسط الایوان»^{۴۶} تأیید می‌شود و نسبت به صورت متن، ضبط دشوارتری است که طبق یکی از اصول مهم تصحیح انتقادی یعنی «ضبط دشوارتر، برتر است» باید به متن برده شود.

۲. پژوهنده سودابه را شاه گفت که این رازت از من نباید نهفت
(۲۱۴/۱۴)

صورت «پژوهید» در ۸ نسخه معتبر و ضبط «پژوهید و» در ۴ دست‌نویس (← خالقی ۲/۲۱۶/زیرنویس ۳۱) نشان می‌دهد که وجه «پژوهید» احتمالاً اصیل‌تر و از نظر نحو جمله در مقایسه با ضبط متن استوارتر است.

۳. که فرزند آرد ورا در جهان پدید آورد در میان مهان
(۲۲۲/۱۴)

استاد در حاشیه صفحه، معنای مصراع دوم را تقریباً مبهم دانسته‌اند. ضبط این مصراع در ۸ دست‌نویس، «به دیدار او در میان مهان» (← خالقی ۲/۲۱۷/زیرنویس ۲۰) است که در دو نسخه از نسخ بنیاد هم آمده (← داستان سیاوش، ص ۲۴۴) و صورت دقیق‌تری است که معنای بیت را هم کاملاً روشن می‌کند.

۴. بدین داستان نیز شب برگذشت سپهر از بر کوه تیره بگشت
(۲۴۶/۱۶)

برای مفهومی که در مصراع دوم مورد نظر است (گردش آسمان و افلاک به دور زمین)، ضبط «گوی» در دو نسخه فلورانس (۱۴۶ ه.ق) و لنینگراد (۸۴۹) (← خالقی ۲/۲۱۸/زیرنویس ۲۰) دقیق‌تر است. حتی صورت «خاک» در ۹ نسخه از جمله ۴ نسخه بدل بنیاد (← ص ۲۴۵) برتر از «کوه» است.

۵. نگویی مرا تا مراد چیست؟ که بر چهر تو فرّ چهر پریست
(۲۶۵/۱۷)

«مراد» ظاهراً از واژگان شاهنامه نیست و به جای آن «نژاد» از ۹ نسخه معتبر (← خالقی ۲۰/۲۲۰/زیرنویس ۳) پیشنهاد می‌شود. احتمالاً کاتبانی که به مفهوم دقیق مصراع دوم و بیت بعد و نیز - بنابر شرایط آن روزگار - مبنای اساطیری پرسش سودابه^{۴۷} توجه نداشته‌اند، بیت را نامفهوم یافته و «نژاد» را به «مراد» گردانیده‌اند. از دو بیت (۲۹۸ و ۲۹۹) چاپ بنیاد هم که طبق آنها سیاوش با اشاره به سؤال سودابه، به راز

نژاد و آفرینش خویش اشاره می‌کند، معلوم می‌شود که سودابه از «نژاد» او پرسیده و نه «مراد»ش.

۶. سرش تنگ بگرفت و یک پوسه جاک بداد و نبود آگه از شرم و باک (۴)
(۲۸۵/۱۸)

بحث‌های متعدّد دربارهٔ مصراع نخست این بیت، امروز تقریباً ثابت کرده است که ضبط «پوسه چاک» برتر و درست‌تر است.^{۴۸} جالب است که پس از این بحثها، آقایان قریب و بهبودی در ویرایش خویش باز صورت «پوسه جاک» را با علامت ابهام (?) در متن نگه داشته‌اند (← ۲۸۵/۳۶۷/۱)

۷. بگفت این و غمگین برون شد بدر ز گفتمار او بود آسیمه‌سر
(۳۰۲/۱۹)

در بخش تفصیل نسخه بدل‌ها دربارهٔ این بیت آمده است: «هیچ یک از نسخ بیت را ندارند» (ص ۲۴۹) از توضیح دکتر خالقی مطلق هم چنین بر می‌آید که بیت مذکور فقط در دو نسخه از پانزده دست‌نویس مبنای کار ایشان بوده است (← خالقی ۲/۲۲۲/زیرنویس ۱۳) از این روی به ظنّ قوی بیت الحاقی است و حداقل باید آن را با نشان تردید در اصالت مشخص کرد.

۸. که جز تو نخواهم کسی را زبُن جزاینت همی راند باید سخن
(۳۴۴/۲۱)

به جای «جزاینت» صورت «چُنینت»، از ده نسخه (← خالقی ۲/۲۲۵/زیرنویس ۵) درست‌تر و با مفهوم بیت منطبق است: تو نیز باید این‌گونه بگویی (عشق مرا پذیری)، با ضبط متن بنیاد معنای بیت برعکس مراد اصلی آن خواهد بود.

۹. بدل گفت این راست گوید همی وزین گونه زشتی نجوید همی
(۳۴۸/۲۲)

با توجه به بیت بعد و نیز در نظر داشتن این نکته که هنوز راست و دروغ سخن سودابه، به قطع و یقین بر کاووس آشکار نشده است، در مصراع اول ضبط «ار این راست گوید» - که حالت شرطی دارد - از ۶ نسخه (← خالقی ۲/۲۲۵/زیرنویس ۱۰) و ترجمه بنداری «إِنْ صَحَّ هَذَا عَنْهُ»، (ج ۱، ص ۱۵۸) پیشنهاد می‌شود این وجه در چاپ مسکو (۳/۲۶/۳۴۷) هم به رغم ضبط نسخه اساس آن، انتخاب شده است.

۱۰. ز هاماوران زان پس اندیشه کرد که آشوب خیزد ز آواز و درد

(۳۷۸/۲۳)

ضبط «آزار» در سه نسخه فلورانس، واتیکان (۸۴۸ ه.ق) و لنینگراد (۸۴۹) برتر است و در ویرایش آقایان قریب و بهبودی نیز که متن داستان سیاوش آن غالباً مطابق تصحیح اسناد مینوی است، همین صورت «آزار» آمده است (← ۳۷۸/۳۷۱/۱) دکتر خالقی مطلق که در متن خویش (۳۶۹/۲۲۷/۲)، «ز آزار و درد» را برگزیده‌اند، در یادداشت‌های شاهنامه (ص ۵۸۶) ضبط اصلی را «بر آواز درد» دانسته‌اند.

۱۱. یکی طشت زرین بیارید پیش بگفت آن سخن با پرستار خویش

(۴۰۰/۲۴)

در نسخه بدل آمده است: «تمام نسخه‌ها: بیاورد پیش» (ص ۲۵۵) و این نشان می‌دهد که ضبط مختار باید متن نسخه اساس باشد هم چنان که در چاپ‌های مسکو (۴۰۱/۲۹/۳) و آقای جیحونی (۳۹۵/۳۸۳/۱) برگزیده شده است اما در عکس دست‌نویس لندن (همان، ۵۲b)، «بیارند» خوانده می‌شود نه «بیارید»، دکتر خالقی مطلق صورت «بیاورد» را در متن (۳۹۱/۲۲۸/۲) آورده و نسخه بدلی برای آن نداده‌اند.

۱۲. وز آن کودکان نیز بسیار گفت همی داشت پوشیده اندر نهفت

(۴۱۸/۲۵)

چون کاووس برای روشن شدن ماجرای سیاوش و سودابه از ستاره‌شناسان یاری خواسته است و می‌خواهد حقیقت موضوع را بداند طبعاً نباید چیزی را از آنها پنهان کند لذا برای مصراع دوم ضبط «نهفته برون آورید از نهفت» از ۹ نسخه (← خالقی ۲۳۰/۲/ زیرنویس ۷) پیشنهاد می‌شود.

۱۳. اگر کوه آتش بود بسپریم از این تنگ خاراست اگر بگذرم (?)

(۴۷۳/۲۹)

برای رفع ابهام بیت، ضبط «تنگ» در ۷ نسخه (← خالقی ۲۳۳/۲/ زیرنویس ۲۱) درست‌تر است که در ویرایش قریب - بهبودی (۴۷۳/۳۷۵/۱) هم آمده است.

۱۴. چو این داستان سر بسر بشنوی به آید ترا گر بدین بگروی

(۴۸۵/۳۰)

از آنجایی که عامل فتنه‌انگیزی در این داستان سودابه است، در مصراع دوم بیت

پیشین می‌خوانیم «ز کار زن آید همی کاستی» بر همین اساس ضبط درست مصراع دوم بیت مورد بحث هم «به آید ترا گر به زن نگروی» طبق ۱۳ دست‌نویس (← خالقی ۲/۲۳۴/زیرنویس ۱۴) خواهد بود.

۱۵. نهادند بر دشت هیزم دو کوه نظاره هم آنجا شده هم گروه

(۴۸۶/۳۰)

«نظاره هم آنجا» ضبط منفرد نسخه بریتانیاست و به جای آن «جهانی نظاره شده» در ۸ دست‌نویس دیگر (← ۲/۲۳۴/زیرنویس ۱۶) پیشنهاد می‌شود. در چاپ مسکو هم از ضبط نسخه اساس عدول شده و وجه پیشنهادی، در متن آمده است (← ۳/۴۸۵/۳۴)

۱۶. گهی شاد بر تخت دستان بُدی گهی در شکار و شبستان بُدی

(۶۴۱/۳۸)

بسیار دور می‌نماید که شخصیتی مانند سیاوش در سیستان به شبستان آمد و شد داشته باشد، بر همین پایه مضبوط یازده نسخه به صورت «شکارِ نیستان» (← خالقی ۲/۲۴۳/زیرنویس ۴۰) برتر می‌نماید.

۱۷. همیشه هنرمند بادا تنت رسیده به کام دل روشنت

(۶۸۵/۴۱)

در میان نسخه بدل‌های چاپ بنیاد، صورت «کامه» از حاشیه ظفرنامه (← ص ۲۸۳) نحو و معنای بیت را استوارتر می‌کند. از بین چاپ‌های مورد بررسی در این مقاله، فقط دکتر خالقی مطلق این ضبط را از نسخه برلین (۸۹۴ ه. ق) در متن آورده‌اند (← ۲/۶۷۳/۲۴۶)

۱۸. وزین لشکر من فزون از هزار بریده سران و تن افکنده خوار

این بیت چون تنها در نسخه بریتانیا نیست پس از بیت (۷۳۱) چاپ بنیاد (ص ۴۳) حذف شده است در حالی که استاد مینوی در تفصیل نسخه بدل‌ها نوشته‌اند که بیت در همه دست‌نویس‌های مورد استفاده ایشان وجود دارد (← ص ۲۸۷) و در ۱۴ نسخه اساس کار دکتر خالقی مطلق هم - البته با اختلاف‌هایی در ضبط - آمده است (← ۲/۲۴۹/زیرنویس ۴۳) بنداری نیز ترجمه آن را به دست داده است «الفأ او اکثر من اصحابی قد ضربت رقابهم» (ج ۱، ص ۱۶۴) از این روی الحاقی شمردن بیت روا نیست چنان که مصححان چاپ مسکو هم باز برخلاف نسخه اساس خویش، آن را قاطعانه - و نه حتی با قلاب تردید - در متن نگه داشته‌اند (← ۳/۴۹/۷۳۰)

۱۹. یکی تخت بودی چو تابنده ماه نشسته برو پور کاووس شاه
(۷۳۷/۴۴)

به جای «پور» صورت «گرد» که ضبط بیشتر دست‌نویس‌ها چاپ بنیاد (ص ۲۸۷) و دشوارتر است، پیشنهاد می‌شود زیرا در بیت پیش تصریح شده که افراسیاب را نزد کاووس می‌برند نه پور او.

۲۰. از ایران زمین بسپرد تیره خاک بشوید دل از کینه و جنگ پاک
(۹۱۲/۵۴)

«بسپرد» در ۶ نسخه از جمله دست‌نویس بریتانیا بدون نقطهٔ حرف اول است (بسپرد) (← خالقی ۲/۲۶۲/زیرنویس ۱۲) و با توجه به معنای بیت، وجه منفی آن (نسپرد) دقیق‌تر می‌نماید چون منظور این است که افراسیاب دیگر خاک ایران را لگدمال سمّ ستوران نکند.

۲۱. نخستین که بر خامه بنهاد دست به عنبر سر خامه را کرد پست
(۱۱۴۲/۶۷)

چون در مصراع دوم «خامه» آمده است، در مصراع نخست «نامه» براساس دوازده نسخه (← خالقی ۲/۲۷۸/زیرنویس ۴) پیشنهاد می‌شود.

۲۲. یکی برنهاد ز پیروزه تخت درفشنده مهدی بسان درخت
(۱۲۱۰/۷۰)

مشبه به «درخت»^{۴۹} و نیز توصیف بیت بعد نشان می‌دهد که در مصراع دوم به جای «درفشنده مهدی» ضبط «درفشان درفشی» در دست‌نویس‌های دیگر (← خالقی ۲/۲۸۲/زیرنویس ۱۹) درست است.

۲۳. که با گوی و چوگان به میدان شویم زماننی بتازیم و خندان شویم
(۱۳۰۵/۷۶)

«بتازیم» تصحیف صورت دشوارتر «ببازیم: بازی کنیم» در نسخه‌هایی مانند: لنینگراد (۷۳۳ ه.ق.)، بریتانیا (۸۹۱) و انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی (۸۴۹) است.^{۵۰}

۲۴. شماره ستاره به پیش پدر همی راندندی همه در بدر
(۱۴۹۰/۸۷)

این بیت از زبان افراسیاب به پیران و دربارهٔ پیش‌گویی ستاره‌شناسان از فرجام

ارتباط او و سیاوش است لذا ضبط «پدر» در مصراع نخست که اتفاقاً در ۱۱ نسخه هم آمده در این جا کاملاً بی معناست و ضبط موجود در دو دست‌نویس فلورانس و بریتانیا (۸۹۱ ه.ق.) ← خالقی ۳۰۰/۲/ زیرنویس ۱۱) و حاشیه ظفرنامه ← داستان سیاوش، ص ۳۴۶) به صورت «سطلاب برداشتندی به بر» برتر است.

۲۵. نشسته سراینده رامشگران سر اندر ستاره سران سران

(۱۷۳۵/۱۰۰)

صورت «سرای سران» در هفت دست‌نویس ← خالقی ۳۱۴/۲/۳۶) ضبط استوارتری است و غیر از چاپ مسکو، سایر چاپ‌های مورد بررسی همین وجه را برگزیده‌اند.

۲۶. ز دیبا و اسپان به زین پلنگ به زرین ستام و حنای خدنگ

(۱۷۶۲/۱۰۲)

ظاهراً «حنا» به معنای مورد نظر در این بیت (برآمدگی زین) کاربرد ندارد و احتمالاً تصحیفی از «جُنا» است که خود مخفف «جُناغ» است.

۲۷. اگر آب دارد ترا میزبان بر آن شهر خرم دو هفته بمان

(۱۸۰۲/۱۰۴)

برای مصراع اول، ضبط «اگر آب دندان بود میزبان» در هفت نسخه ← خالقی ۳۲۰/۲/ زیرنویس ۸) دشوارتر است.

۲۸. کمان خواست با تیرهای خدنگ شش اندر میان زد سه چوبه به تنگ

(۱۸۵۴/۱۰۷)

«سه چوبه به تنگ» با توجه به حالت مورد نظر در بیت، معنای روشن و درستی ندارد و ضبط «سه چوبه به چنگ»، در ۱۳ دست‌نویس ← خالقی ۳۲۳/۲/ زیرنویس ۲۴) بهتر می‌نماید،^{۵۱} سیاوش شش تیر را به کمر زد و سه چوبه را نیز در دست گرفت.

۲۹. کنم هرچه گویی به فرمان تو برین نشکنم رای و پیمان تو

(۱۸۷۴/۱۰۸)

با توجه به روند داستان (محور طولی بیت‌ها)، «بشکنم» در سه نسخه قاهره (۷۹۲ ه.ق.)، پاریس (۸۴۴) و بریتانیا (۸۴۱) دقیق‌تر است زیرا سیاوش که نمی‌خواهد با گرسیوز کشتی بگیرد و این پیشنهاد او را رد کرده است، در این جا تصریح می‌کند: در هر

کاری فرمان بردار تو هستم ولی در این باره (پیشنهاد کشتی گرفتن) از پیمان فرمان برداری خویش عدول خواهم کرد. ضمناً در ۵ نسخه از جمله بریتانیا (۶۷۵) حرف اوّل نقطه ندارد و دقیقاً معلوم نیست که ضبط آنها «نشکنم» بوده است یا «بشکنم» (← خالقی ۲/۳۲۵/زیرنویس ۷)

۳۰. کسی کو دم اژدها نسپرد ز رای جهان آفرین نگذرد

(۲۰۵۸/۱۱۹)

برای قافیه مصراع نخست چنان که در همه نسخه بدل‌های چاپ بنیاد (← ص ۳۹۵) آمده، «بسپرد» با وجه مثبت مناسب‌تر است و منظور سیاوش این است که انسان حتی اگر در نهایت مردانگی و بی‌باکی هم باشد (در دم اژدها برود) باز نمی‌تواند از خواست یزدان پرهیز کند و بدور باشد.

۳۱. چو گستاخ شد دست با گنج او بسیچد همانا تن از رنج او

(۲۰۸۴/۱۲۰)

در حاشیه نوشته‌اند: «معنی بیت روشن نیست، شاید چنین باشد: چون دست من با گنج او گستاخ است از گمان اینکه مبادا خیانت بورزم در رنج است، ولی عبارت بیت به ادای این مقصود وافی نیست.» گزارش پیشنهادی که با عبارت بیت هم منطبق باشد، چنین است: پس از آن همه انس و الفت با افراسیاب - که حتی اجازه و آزادی بهره‌مندی از گنج او را یافتم - اکنون باید در انتظار رنج و آسیب او باشم.

۳۲. مرا دل پر از رای و دیدار تست دو کشور پر از رنج و آزار تست

(۲۱۱۳/۱۲۲)

این بیت از نامه سیاوش به افراسیاب است و چون در این نامه سیاوش، افراسیاب را می‌ستاید، مصراع دوم به دلیل معنای منفی و نکوهشی آن نمی‌تواند درست باشد و ضبط «که کشور پر از گنج و کردار توست» در دو نسخه فلورانس و قاهره (۷۴۱ ه.ق.) (← خالقی ۲/۳۴۰/زیرنویس ۱۹) برتر است.

۳۳. سیاوش بترسید از بیم جان - مگر گفت بدخواه گردد نهان؟ -

(۲۲۱۴/۱۲۸)

با در نظر داشتن موضوع داستان، ضبط «بیرسیدش» از نسخه بریتانیا (۸۴۱) (← داستان سیاوش، ص ۴۰۹) درست‌تر است و در این صورت مصراع دوم را هم نباید

پرسی خواند: سیاوش از ترس جان، از افراسیاب احوال پرسى کرد تا شاید سخن بداندیش بی اثر شود.

۳۴. چنین داد پاسخ که درنده شیر بیارد سگ کارزاری به زیر
(۲۵۴۰/۱۴۶)

حرف اول «بیارد» در نسخه برگردان دست‌نویس بریتانیا بدون نقطه است (← ۶۵۹) اما ضبط «نیارد» در ۱۲ نسخه (← خالقی ۲/۳۷۴/زیرنویس ۶) و ترجمه بنداری «الكلب لا يغلب الاسد» (ج ۱، ص ۱۸۶) نشان می‌دهد که وجه درست به شکل منفی «نیارد» است.

۳۵. که گر پیلسم از بد روزگار خرد یابد و پند آموزگار
(۲۸۳۵/۱۶۳)

با توجه به بیت بعد، با این ضبط مصراع اول به لحاظ معنایی ناقص و سست است و به جای «خرد یابد» صورت «گذر یابد» از ۶ دست‌نویس (← ۳۹۷/۲/زیرنویس ۹) دقیق‌تر است: اگر پیلسم از بد زمان رهایی یابد و نیز از تعالیم آموزگار بهره‌مند شود....

۳۶. همان نامه مشک و موی سمور ز درّ سپید و ز کیمال تور
(۲۹۹۸/۱۷۳)

در حاشیه آمده است: «کیمال تور معلوم نشد که چیست... در لغت نامه برای کیمال معنایی آورده‌اند (راسو یا سمور یا چیزی شبیه به آنها) ولی لفظ دوم را برحسب متون چاپی بور آورده‌اند (کیمال و بور) که آن هم مجهول است.»

ضبط صحیح همان گونه که در سه دست‌نویس از نسخه مورد استفاده استاد آمده (← داستان سیاوش، ص ۵۰۰)، «کیمال بور» است و مراد از آن پوست سرخ رنگ (بور) جانوری (کیمال) است که از آن لباس می‌دوزند.

۳۷. چو خورشید رخشنده آمد پدید زمین شد بسان گل و شنبلید
(۳۰۵۴/۱۷۶)

ضبط «گل شنبلید» در شش نسخه مورد استفاده مصحح مرحوم از جمله دست‌نویس اساس (← داستان سیاوش، ص ۵۰۶) برتر است و معلوم نیست که چرا در این جا برخلاف موارد دیگر، ضبط نسخه اساس ترک شده است؟ مشبه به «گل شنبلید» برای پرتوهای خورشید و روشن شدن جهان، در شاهنامه نمونه دیگری نیز دارد. ۵۲

۳۸. زگشواد و گیوت که داد آگهی که با خرّمی بادی و فرّهی

(۳۱۴۰/۸۱)

در این بیت و نمونه‌های دیگر، «گشواد» و «گشوادگان» با «گ» آمده است (← ۳۶۸۰/۲۱۳؛ ۳۶۴۱/۲۱۰؛ ۳۶۱۹/۲۰۹؛ ۳۵۹۹/۲۰۸؛ ۳۵۷۱/۲۰۷؛ ۳۵۱۱/۲۰۳ و ۳۷۲۵/۲۱۵) اما این نام در عکس نسخه لندن «کشواد» است (برای نمونه ← ۶۸b) و بنداری نیز آن را به همین صورت آورده است در حالی که اگر در دست‌نویس او «گشواد» بود، به شکل «جشواد» ضبط می‌کرد چنان که «گودرز» را «جوذرز» نوشته است. از این روی وجه درست نام پدر گودرز، کشواد با «ک» و منسوب بدان «کشوادگان» است.

۳۹. بنش ژرف و پهناش کوتاه بود بدو رفتن گیو بی‌راه بود

(۳۳۰۴/۱۹۱)

در نسخه‌های فلورانس، قاهره (۷۹۶ ه. ق، و برلین (۸۹۴) به جای «بنش» صورت «مغی» آمده که دشوارتر است و اصولاً باید به متن برده شود.

۴۰. نخواند مرا موبد از آب‌پاک که پپرستم او را پدر زیر خاک

(۳۵۵۷/۲۰۶)

در مصراع نخست، قرائت «آب پاک: نطفه حلال» پیشنهاد می‌شود.

۴۱. جهانی سراسر به شاهی مراسم درگاو تا برج ماهی مراسم

(۳۶۹۶/۲۱۴)

در حاشیه نوشته‌اند: «درگاو» مفهوم روشنی ندارد.

منظور از «گاو»، گاوی است که طبق معتقدات افسانه‌ای می‌بنداشتند زمین بر شاخ آن واقع شده و خود این جانور نیز بر پشت ماهی ایستاده است: از آغاز محل ایستادن این گاو (در گاو) در زیرزمین (حضیض خاک) تا برج حوت در آسمان (اوج افلاک) قلمرو فرمان‌روایی من است.^{۵۳}

از بررسی تصحیح داستان سیاوش و دیگر تصحیحات بنیاد شاهنامه، دو نکته در خور تأمل به لحاظ روش‌شناسی تصحیح انتقادی شاهنامه به نظر می‌رسد. نخست: پای‌بندی بیش از اندازه به ضبط‌های نسخه اساس حتی گاه در مواردی که صورت موجود در آن، آشکارا نادرست (فاسد) است و باید رها شود. ثانیاً: شمار نسبتاً اندک دست‌نویسهایی که برای تصحیح شاهنامه به کار گرفته شده است و کاستی‌های

برخاسته از آن، هنگام مقایسه با متن و نسخه بدلهای چاپ دکتر خالقی مطلق بیشتر و بهتر نمایان می شود. ۵۴

پی نوشت ها

۱. با کارهایی مانند: مقاله «نسخه های قدیم گرشاسپ نامه»، آموزش و پرورش، ۱۳۲۳/۱۴، صص ۵۶۹-۵۷۴؛ مقاله «کتاب هزاره فردوسی و بطلان انتساب یوسف و زلیخا به فردوسی» روزگار نو، ج ۵، ش ۳/۱۳۲۴، صص ۱۶-۳۶؛ حضور در کنگره هزاره فردوسی (۱۳۱۳ ه.ش)، همکاری با مرحوم استاد محمدعلی فروغی در تهیه خلاصه شاهنامه فردوسی (در این باره، رک: افشار، ایرج: کتاب شناسی فردوسی، انجمن آثار ملی، چاپ دوم ۱۳۵۵، ص ۱۶) و جالب تر از همه اجرای نقش شاه سمنگان در نمایش نامه رستم و سهراب به همراه روان شاد عبدالحسین نوشین. برای این موضوع، رک: باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: شاهنامه آفرش خوش است، انتشارات عطایی ۱۳۷۲، صص ۱۹ و ۷۰۱-۷۰۳.
۲. در این آثار: فردوسی و شعر او، انجمن آثار ملی ۱۳۴۶، ۲۴۶ ص؛ «توضیح درباره کلمات عربی شاهنامه»، وجد، ۱۳۴۵/۳، ص ۷۲۸؛ «دهقانان»، سیرغ، شماره ۱، اسفند ۱۳۵۱، صص ۸-۱۳؛ «داستانهای حماسی ایران در مآخذی غیر از شاهنامه»، سیرغ، شماره ۲، آبان ۱۳۵۴، صص ۹-۲۵؛ «فردوسی به گردن ما حق بزرگ دارد»، فردوسی و ادبیات حماسی، انتشارات سروش ۱۳۵۵، صص ۱۶۵-۱۷۰.
۳. فردوسی و شعر او، انتشارات توس، چاپ اول (برای ناشر) ۱۳۷۲، ص ۴۷
۴. رک: ریاحی، محمد امین: شاهنامه و مینوی، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مجتبی مینوی، گردآوری و تنظیم امید قنبری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۰، صص ۶۸ و ۶۹.
۵. برای آگاهی درباره بنیاد شاهنامه و اهداف و فعالیت های آن، رک: تفضلی، احمد: «بنیاد شاهنامه فردوسی»، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۷، ج ۴، صص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ غروی، مهدی: «بنیاد شاهنامه فردوسی»، راهنمای کتاب، سال نوزدهم، شماره ۷-۱۰، مهر-دی ۱۳۵۵، صص ۶۷۳-۶۹۱.
۶. این که برنامه بنیاد شاهنامه «نخستین» طرح تصحیح انتقادی شاهنامه در ایران دانسته شده از آن روی است که هیچ یک از چاپهای شاهنامه که تا پیش از رستم و سهراب بنیاد، در ایران و به دست محققان ایرانی منتشر شده، تصحیح علمی-انتقادی به مفهوم اصطلاحی این عبارت نیست. برای اطلاع درباره چاپ ها و تصحیحات شاهنامه، رک: افشار، ایرج: «شاهنامه از خطی تا چاپی»، متن شناسی شاهنامه فردوسی، به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب ۱۳۸۵، صص ۲۱-۴۴؛ شاهنامه فردوسی، تصحیح مصطفی جیحونی، انتشارات شاهنامه پژوهی اصفهان ۱۳۷۹، کتاب صفر (مقدمه)، صص ۸۹-۱۱۱.
۷. شاهنامه کتاب فروشی بروخیم که جلد اول آن به کوشش استاد مینوی است و تقریباً چهل سال پیش از داستان رستم و سهراب بنیاد شاهنامه منتشر شده، همان گونه که اشاره شد تصحیح علمی نیست.

۸. قریب، مهدی: «مینیوی به گردن ما حق بزرگ دارد»، مینیوی و شاهنامه، انتشارات بنیاد شاهنامه ۱۳۵۶، ص ۲۰.
۹. رک: قریب، مهدی: «مقدمه‌ای بر شاهنامه فردوسی»، بازخوانی شاهنامه (تأملی در زمان و اندیشه فردوسی)، انتشارات توس ۱۳۶۹، صص ۳۹-۱۳۸، این مقاله دقیق‌ترین گفتاری است که تا امروز درباره شیوه تصحیح در بنیاد شاهنامه منتشر شده است.
۱۰. برای این موضوع، رک: آیدنلو، سجّاد: «نخستین سند ادبی ارتباط آذربایجان و شاهنامه» ایران‌شناسی، سال هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، صص ۷۶-۹۵.
۱۱. رک: غروی، مهدی: بنیاد شاهنامه فردوسی، همان، ص ۶۸۳.
۱۲. طبق شمارش آقای مصطفی جیحونی، تعداد بیت‌های این نسخه در متن، حواشی و میان سطور مجموعاً (۴۹۹۱۸) بیت است. رک: شاهنامه فردوسی، همان، کتاب صفر، ص ۹۳.
۱۳. رک: مینیوی، مجتبی: «شعر در فرهنگ اجتماعی ایران»، مینیوی بر گستره ادبیات فارسی، به کوشش ماه منیر مینیوی، انتشارات توس ۱۳۸۱، ص ۶۱۷؛ در این باره هم چنین، رک: خالقی مطلق، جلال: «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۷۳۴.
۱۴. رک: فردوسی و شعر او، ص ۳۹؛ «فردوسی و مقام او»، فردوسی و شاهنامه، به کوشش علی دهباشی، انتشارات مدبر ۱۳۷۰، ص ۵۴۵.
۱۵. در این باره و برای حدسی درباره بخش‌بندی مندرجات این هفت جلد، رک: ریاحی، محمد امین: سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲، صص ۵۳-۵۷؛ شاهنامه فردوسی، تصحیح زول مول، با مقدمه دکتر محمد امین ریاحی، انتشارات سخن، چاپ چهارم ۱۳۷۳، صص ۳۰-۳۴ (مقدمه).
۱۶. «درباره تصحیح شاهنامه» (گفتگو با مجتبی مینیوی)، رودکی، شماره ۴۵، تیرماه ۱۳۵۴، ص ۱۱.
۱۷. مینیوی، مجتبی: «فردوسی ساختگی و جنون اصلاح اشعار قدما»، متن‌شناسی شاهنامه فردوسی، همان، ص ۱۳۴.
۱۸. رک: ظفرنامه حمدالله مستوفی به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورّخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا)، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷.
۱۹. رک: پیش‌گفتار دکتر نصرت‌الله رستگار بر چاپ عکسی ظفرنامه، همان، ص شانزده.
۲۰. مینیوی، مجتبی: نسخه‌های خطی قدیم باید سلاک تصحیح متون ادبی بشود، مجموعه سخن‌رانی‌های اولین و دومین هفته فردوسی، به کوشش حمید زرین‌کوب، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۳، ص ۲۴۹.
۲۱. برای نمونه، رک: ریاحی، محمد امین: سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، همان، ص ۳۱۰؛ شاپور شهبازی، ع: «ظفرنامه حمدالله مستوفی»، نشر دانش، شماره ۹۳، تابستان ۱۳۷۹، ص ۷۳.
۲۲. برای اشاره‌ای در این باب، رک: شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، انتشارات روزبهان ۱۳۶۸، دفتر یکم، صص بیست و یک و بیست و دو (پیش‌گفتار مصحح).
۲۳. برای دیدن چگونگی این بیت در دست‌نویس‌های مختلف، رک: شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، انتشارات روزبهان ۱۳۷۰، دفتر دوم، ص ۱۴۱، زیرنویس ۱۴.

۲۴. بر اهل فن پوشیده نیست که «تصحیح قیاسی» طبق ضوابط ویژه آن، مقوله جداگانه‌ای است و نباید با تصرفات ذوقی به مفهومی که گفته شد، درهم آمیزد.

۲۵. رک: قریب، مهدی: «مینوی به گردن ما حق بزرگ دارد»، همان، صص ۲۱ و ۲۲.

۲۶. داستان فرود از شاهنامه، تصحیح و توضیح محمد روشن، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۹، ص ب.

۲۷. برای این نظریات، رک: خالقی مطلق، جلال: «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، گل رنجهای کهن، به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز ۱۳۷۲، صص ۱۲۹-۱۳۲؛ ریاحی، محمد امین: «تأملی دیگر در سال‌شماری زندگی فردوسی و سیر تدوین و تکمیل شاهنامه» پایداری حماسی، انتشارات مروارید ۱۳۷۹، صص ۸۸ و ۸۹؛ محیط طباطبایی، محمد: «عقیده فردوسی»، فردوسی و شاهنامه، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۹، ص ۱۰۹؛ وامقی، ایرج: «نقدی بر مقاله معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، بیژن‌نامه، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی ۱۳۸۰، صص ۳۴۵-۳۵۴.

۲۸. برای این بیت‌ها، رک: خالقی مطلق، جلال: گفتاری در شیوه تصحیح شاهنامه و معرفی دست‌نویس‌ها (ضمیمه دفتر یکم)، انتشارات روزبهان ۱۳۶۹، صص ۳۱ و ۳۲.

۲۹. از جمله، رک: تقی‌زاده، سید حسن: «شاهنامه و فردوسی»، هزاره فردوسی، دنیای کتاب ۱۳۶۲، صص ۹۷-۹۹؛ تولدکه، تودور: حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، نشر سپهر و جامی، چاپ چهارم ۱۳۶۹، ص ۵۵.

۳۰. درباره سابقه انتساب این مثنوی به فردوسی و خلاصه‌ای از دلایل رد آن و نیز مشخصات مقالات شماری از محققان در این باره، رک: رزمجو، حسین: قلمرو ادبیات حماسی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۵۰۷-۵۱۱.

۳۱. استاد نخست به سال ۱۳۲۴ در مقاله‌ای ممتع (← پی‌نوشت شماره ۱) و سپس در کتاب فردوسی و شعراء (صص ۹۵-۱۲۵) به این موضوع توجه کرده‌اند.

۳۲. برای دیدن این اشعار و منابعی که به آنها پرداخته‌اند، رک: رزمجو، حسین: قلمرو ادبیات حماسی ایران، همان، ج ۲، صص ۵۱۱-۵۱۵؛ مدبری، محمود: شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳-۴-۵ هجری قمری، انتشارات پانوس ۱۳۷۰، صص ۴۰۰-۴۰۲.

۳۳. رک: شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، بنیاد میراث ایران، کالیفرنیا و نیویورک ۱۳۷۵، دفتر پنجم، ص ۴۱۲، زیرنویس ۱۹.

۳۴. به ترتیب، رک: شاهنامه فردوسی (براساس چاپ مسکو)، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، نشر قطره ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۰۵، بیت ۱۳۹۴، شاهنامه فردوسی، ویراسته مهدی قریب - محمدعلی بهبودی، انتشارات توس ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۰۵، بیت ۱۳۹۹.

۳۵. رک: رزم‌نامه رستم و اسفندیار، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار - دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، چاپ نهم ۱۳۷۰، ص ۱۱ پیش‌گفتار، شایان ذکر است که در ویرایش دوم این کتاب برخی از ضبط‌های رستم و اسفندیار مصحح استاد مینوی - طبق یادداشت‌هایی که آقای مهدی قریب از این تصحیح نوشته و برای شارحان فرستاده‌اند - به نام خود استاد آمده است. رک: همان کتاب (ویرایش دوم)، نشر قطره، چاپ بیستم ۱۳۷۸، ص ۵ (توضیح شارحان).

۳۶. به ترتیب، رک: شاهنامه فردوسی (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add21,103 مشهور به شاهنامه لندن)، نسخه برگردانان: ایرج افشار - محمود امیدسالار، انتشارات طلايه ۱۳۸۴، برگ ۲۸۳ب؛ شاهنامه فردوسی همراه با خمسه نظامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ۱۳۷۹، ص ۹۷۸.

۳۷. اظهار نظر قطعی درباره اصیل یا الحاقی بودن و ضبط درست این بیت منوط به انتشار دفتر هشتم شاهنامه دکتر خالقی مطلق و بررسی متن و نسخه بدل‌های آن است.

۳۸. رک: گرشاسپ‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، کتابفروشی بروخیم ۱۳۱۷، صص ۶۸ و ۲۴۲؛ ضبط مصراع دوم بیت مورد بحث در گرشاسپ‌نامه این گونه است «بدیدی شب تیره صد میل راه» و فقط در سه نسخه شاهنامه (← خالقی ۱/۳۳۵/ زیرنویس ۱۸) به فردوسی نسبت داده شده است.

۳۹. «اهتمام در تهیه متن صحیح شاهنامه و چاپ آن»، مینوی و شاهنامه، ص ۱۰۴ و برای دیدن فهرست بخشهایی از شاهنامه که در بنیاد مراحل اصلی تصحیح را طی کرده و آماده بررسی نهایی بوده است، رک: غروی، مهدی: بنیاد شاهنامه، صص ۶۸۶ و ۶۸۷.

۴۰. برای یک ارزیابی کلی و کوتاه از کیفیت تصحیحات بنیاد شاهنامه، رک: شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، همان، ص پانزده (مقدمه دکتر احسان یارشاطر)

۴۱. با این مشخصات: بریتانیا / لندن (۶۷۵ ه.ق.)، توپقاپوسرای (۷۳۱)، لنینگراد (۷۳۳)، قاهره (۷۴۱)، قاهره دوم (۷۹۶)، نسخه ناقص مونسسه شرق‌شناسی کاما در هندوستان، حاشیه ظفرنامه مستوفی (۸۰۷) و بریتانیا (۸۴۱)

۴۲. برای آگاهی از مراحل تصحیح داستان سیاوش، رک: داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی، تصحیح و توضیح استاد مجتبی مینوی، مقدمه از: مهدی قریب، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۹، صص کح و کط (مقدمه آقای قریب)

۴۳. رک: داستان سیاوش از شاهنامه، تحقیق و تصحیح ادیب برومند، انتشارات دانش ۱۳۷۸، ص پنج پیش‌گفتار

۴۴. رک: داستان سیاوش، همان، جلد دوم (واژه‌نامه)، صص ۳۶۵-۳۷۹.

۴۵. اعداد به ترتیب از راست، شماره صفحه و بیت در متن داستان سیاوش است.

۴۶. رک: البنداری، الفتح بن علی: الشاهنامه، فارنها بالاصل الفارسی و اکمل ترجمتها فی مواضع و صححها و علق علیها و قدّم لها: الدكتور عبدالوهاب عزّام، دارسعاد الصباح، الطبعة الثانية ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴۷. در این باره، رک: آیدنلو، سجّاد: «فرضیه‌ای درباره مادرسیاوش»، نامه فرهنگستان، شماره ۲۷، آذر ۸۴، ص ۴۲؛ خالقی مطلق، جلال: «شاهنامه و موضوع نخستین انسان»، گل رنجهای کهن، همان، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ همو: یادداشت‌های شاهنامه، بنیاد میراث ایران، کالیفرنیا و نیویورک ۱۳۸۰، بخش یکم، ص ۵۸۳.

۴۸. برای نمونه، رک: جیحونی، مصطفی: شاهنامه، همان، کتاب صفر، ص ۲۱۰؛ خالقی مطلق، جلال: یادداشت‌های شاهنامه، همان، ص ۵۸۲؛ رواقی، علی: «شاهنامه را چگونه باید خواند؟» (۲)، نامه انجمن، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، صص ۲۱ و ۲۲؛ مجتبیایی، فتح‌الله: «چند نکته دیگر درباره ابیاتی از شاهنامه»، آینده، سال نهم، شماره ۸ و ۹، آبان و آذر ۱۳۶۲، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.

۴۹. در شاهنامه «درخت» باز مشبه به «درفش» قرار گرفته است (← خالقی ۳/۲۳۳/۲۰۸۹) اما چنین تصویری درباره «مهد» دیده نمی‌شود.

۵۰. در این باره، رک: خالقی مطلق، جلال: «تصحیف و اژه باختن در اغلب نسخه‌های خطی شاهنامه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۴، صص ۳۰۶-۳۱۱.

۵۱. برای توضیح این ضبط و رد صورت «سه چوبه به چنگ»، رک: خالقی مطلق، جلال: یادداشت‌های شاهنامه، صص ۶۶۳ و ۶۶۴.

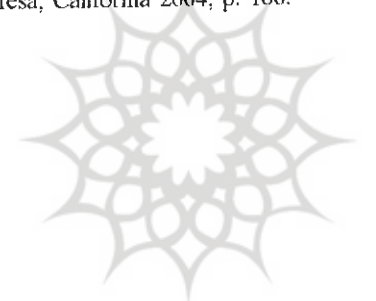
۵۲. جو خور چادر زرد بر سر کشید بید باختر چون گل شنبلید

(خالقی ۳۷۴/۲۵۱/۵)

۵۳. این ترکیب به صورتهای «سرِ گاو» (← خالقی ۱۶۳/۱۲/۳) و «درِ گاو» (← مسکو ۴۳۸/۷۷/۸) باز در شاهنامه دیده می‌شود.

۵۴. این هر دو نکته پیشتر از سوی برخی شاهنامه‌شناسان نیز بیان شده است. برای نمونه، رک: خالقی مطلق، جلال: «قواعد و ضبط تصحیح متن شاهنامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۵۴، صص ۷۵۴-۷۵۸؛ خطیبی، ابوالفضل (گفتگو): «فراز و نشیب‌های تصحیح شاهنامه»، فصل‌نامه گهران، شماره ۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۴۵.

Omidšālār, Mahmoud, "Shāhnāma Editions and Textual Scholarship", The Spirit of Wisdom [Mēnōg i Xrad], Edited by: Touraj Daryāee and Mahmoud Omidšālār, Mazdā Publisher, Costa Mesa, California 2004, p. 166.



شپوه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی